



سرقت میراث فرهنگی ناملموس ایران از سوی جمهوری آذربایجان

دولت جمهوری آذربایجان در صدد است «فرهنگ پهلوانی، ورزش زورخانه ای و کشتی‌گیری» را به نام خود ثبت کند، در حالی که ایران در سال ۲۰۱۰ آیین‌های مرتبط با این ورزش را به نام خود ثبت کرده است

به گزارش آران نیوز، یکی از برنامه های یونسکو برای حفظ میراث فرهنگی بشریت، تلاش این سازمان برای ثبت، و بدین وسیله، ماندگار کردن میراث ناملموس بشری است. این امر، از طریق امکان ثبت مشترک میراث فرهنگی، به ویژه در سطح منطقه ای، می تواند موجب هم گرایی دولت ها و فراتر از آن، ملت ها شود. لیکن، این امر به ظاهر مطلوب، نمی تواند از آسیب و سوء استفاده مصون باشد. نقش پررنگی که دولت ها در فرایند ثبت این میراث دارند، در کنار نفوذپذیری سازمان های بین المللی سبب شده این امر گاه خود به جدالی سیاسی میان کشورها بینجامد و فراتر از اهداف فرهنگی این نهاد، برای دفاع از منافع کشوری خاص به کار بسته شود. بر shy& این پایه، کشورهای با نفوذتر و با برنامه تر، به صرف بهره مندی دو مؤلفه نام برده، می توانند میراث فرهنگی مشترک با همسایگان شان را به نام خود ثبت کنند و از مزایای آن در زمینه تبلیغات بین المللی فرهنگی، جذب گردشگر و حتی توسعه صنعت از طریق ادعای مالکیت فکری بر بسیاری از فرآورده های ذهنی تاریخی بشری بهره ببرند. اختلافات از این دست میان چین و ژاپن و کره جنوبی یا روسیه و قزاقستان گزارش شده است و شوربختانه آن نهاد بین المللی هم فقط به شکل کار- که کشوری اعتراضی نکرده باشد- کار دارد. ایران نیز به عنوان وارث مستقیم یکی از حوزه های تمدنی مطرح در عرصه ی جهانی- که با وجود فراز و فرودهای بسیار و به ویژه بی توجهی ها در این چند دهه ارتباط خود را با همه تاریخ طولانی اش حفظ کرده- می تواند از امکان ثبت میراث ناملموس خود و به ویژه ظرفیت ایجادشده از طریق ثبت مشترک بهره ی فراوان ببرد. ثبت مشترک میراث فرهنگی میان ایران و کشورهای همسایه، می تواند برای هر دو طرف یادآور یگانگی shy& در تاریخ و فرهنگی چند هزار ساله باشد که تا زمانی نه چندان دور، حتی در عرصه سیاسی، این یگانگی موجود بوده و با چنین میراث مشترکی است که هدف دیگری از این حرکت که ترویج فرهنگ صلح باشد به دست می آید. لیکن، چنان که توضیح داده شد، این امر می تواند مخاطرات خود را هم داشته باشد. کمتر کسی است که از اختلافات ایران و امارات درباره ثبت جهانی بادگیر، یا اختلافات ایران و جمهوری آذربایجان بر سر تار، چوگان و موارد دیگر آگاه نباشد. در بسیاری از این موارد، دولت ایران غافل گیر شده، یا با بی تفاوتی و انفعال خود قافله را به همسایگانش باخته است (مورد ثبت تار). اما در موارد دیگری نیز به گونه ای از ثبت مشترک – ولو دیر هنگام – تن داده که در نهایت منجر به لاپوشانی کردن ریشه های ایرانی یک سنت فرهنگی و ایجاد فضا برای جدال های آتی شده است. ثبت مشترک جهانی نوروز را می توان از این دست به شمار آورد که اینک زمینه ساز جعل های تاریخی و تحریف های قوم گرایانه توسط برخی از کشورها شده است؛ امری که با نبود سازمانی در درون کشور برای رصد و اعتراض می رود که تبدیل به رویه ای در مورد همه ی آثار تاریخی ایران گردد. اینک، در سال ۲۰۲۲ میلادی، آگاه شده ایم که دولت جمهوری آذربایجان، در اقدام سیاسی دیگری، در صدد است «فرهنگ پهلوانی، ورزش زورخانه ای و کشتی گیری» را به نام خود ثبت کند. این در حالی است که ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی آیین های مرتبط با «ورزش پهلوانی و زورخانه ای» را به نام خود ثبت کرده است. جالب آن که کشور نام برده حتی پیوستن به پرونده ی پیشین را کسر شان خود دانسته و به قصد انکار کردن ریشه های ایرانی این ورزش، به دنبال ثبت مستقل آن است. البته داستان به این جا خاتمه نیافته و جمهوری آذربایجان و ترکیه هم زمان به دنبال ثبت «فرهنگ چای خوری» (آیا چای خوری ما با مردمان این کشورها متفاوت است؟ آن هم در حالی که هر دو این کشورها دست کم مدعی یگانگی با بخشی از خاک ما هستند و حتا حرمت همین مردمان مورد ادعایشان را هم نگاه نمی دارند!) و همچنین «ملانصرالدین» نیز هستند. گویا این بار نیز وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با انجام ندادن کوچک ترین واکنشی در تمام مدتی که این موضوعات بر روی تارنمای یونسکو جهت اظهارنظر دیگر کشورها قرار گرفته بود، سکوتی معنادار پیشه کرده است تا بی تفاوتی و شاید فراتر

از آن، احتمال وجود دست‌هایی پنهان برای پیش‌برد منافع کشورهای همسایه در این وزارتخانه
ما را نگران سازد.
علیرضا افشاری